



حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا

يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۶۱)﴾

جریان شهادت ذات اقدس اله و علم ذات اقدس اله و اعمال حضرت اله گذشته از آن مسائل توحیدی که خدا

﴿بكل شیء علیم﴾^۱ است سهم تعیین کننده‌ای در مسائل تربیتی دارد زیرا اگر انسان بداند در مشهد و در محضر ذات

اقدس اله است هم در فضایل موفقتر است هم در ترك رذایل لذا خدای سبحان در بسیاری از موارد اعمال قلبی و

بدنی انسان را ذکر می‌کند بعد می‌فرماید همه اینها معلوم خدای سبحان است ﴿واعلموا ان الله يعلم ما فی أنفسکم

فاحذروه﴾^۲.

مطلب دوم آن است که گر چه علم به اعمال را و شهود اعمال را خدای سبحان به ملائکه و انبیا و اولیا و

صدیقین و صلحای از مومنان اسناد می‌دهد لکن همه اینها مظاهر علم مطلق خدای سبحان نسبت به اعمال عباد

است اولاً کارهای خود انبیا و ملائکه هم مشهود خدای سبحان است ثانیاً یعنی اینکه خداوند انبیا و ملائکه و اولیا

علیهم السلام را عالم به اعمال مردم کرد و شاهد اعمال مردم کرد این خودش با مسئولیت همراه است خدای

سبحان رقیب اینها هم هست که آیا اینها در شهادت و در رویت و علم و آگاهی درست انجام وظیفه می‌کنند یا نه

۱ - سوره بقره، آیه ۲۹.

۲ - سوره بقره، آیه ۲۳۵.

بنابراین همین اعمالی که روئیتش به انبیاء اسناد داده شد دو مطلب را به همراه دارد يك اینکه علم انبیا و اولیا و فرشتگان علیهم السلام به اعمال عباد مظهر عالمیت مطلقه خدا است دوم اینکه همین علم با مسئولیت همراه است یعنی آنها باید مواظب باشند این علم را صحیح انجام بدهند و صحیح هم از آن استفاده کنند لذا خدای سبحان در عین حال که به همه می فرماید اعمال شما را خدا می بیند و کرام کاتبان حفظ می کنند و انبیاء می بینند به انبیا هم می فرماید کارهای شما را من می بینم و خود انبیاء هم اعتراف می کنند به اینکه کارهای ما در مشهد و محضر ذات اقدس اله است مثلاً در سوره مبارکه مائده در بخش پایانی آن سوره آیه ۱۱۶ به بعد وجود مبارك مسیح سلام الله علیه به خدای سبحان عرض می کند که ﴿سبحانك ما یكون لی ان اقول إلیس لی بحق ان كنت قلتہ فقد علمتہ﴾^۳ اگر چیزی را من گفته بودم شما می دانستی ﴿تعلم ما فی نفسی﴾ آنچه در ذات من می گذرد شما عالم هستی ﴿ولا اعلم ما فی نفسک﴾ آنچه که در شما می گذرد من عالم نیستم چون ﴿انك انت علام الغیوب﴾^۴ هر چه نهان و غیب است تو عالم هستی بنابراین تو به اسرار من عالمی پیغمبر ولو اولوالعزم هم باشد همه خاطراتش مشهود خدای سبحان است.

﴿ما قلت لهم الا ما امرتني به ان اعبدوا الله ربی و ربکم و كنت عليهم شهيدا ما دمت فيهم فلما توفيتني كنت انت الرقيب عليهم و انت على كل شيء شهيد﴾^۵ عرض می کند خدایا من جز ماموریتی که داشتم چیزی به این مردم نگفتم و آن توحید ربوبیت بود به مردم گفتم که خدای سبحان رب من است و رب شما است من و شما همه موظف هستیم خدا را عبادت کنیم و لا غیر و خدایا تو از این صحنه با خبر هستی مادامی که من در بین مردم

۳ - سوره مائده، آیه ۱۱۶.

۴ - سوره مائده، آیه ۱۱۶.

۵ - سوره مائده، آیه ۱۱۷.

بودم شاهد اعمال اینها بودم و شما بعد از من شاهد ایشان هستید چه اینکه قبل از من و با من هم شاهد بودید چون ﴿انت علی کل شیء شهید﴾ این درباره شهادت و علم و آگاهی خدای سبحان نسبت به حضرت مسیح.

درباره پیغمبر اسلام هم مشابه این تعبیر به این صورت آمده است که در سوره مبارکه شعرا به پیغمبر فرمود هر کاری که تو انجام می دهی معلوم خدای سبحان است آیه ۲۱۶ به بعد سوره شعراء این است ﴿فان عصوك فقل انی بریء مما تعملون و توکل علی العزیز الرحیم الذی یراک حین تقوم﴾^۶ تو برخدایی عزیز که هم نفوذ ناپذیر است و هم مهربان توکل کن خدایی که در حال قیام تو، تو را می بیند همین که می خواهی به یک امری قیام بکنی خدا تو را می بیند ﴿یراک حین تقوم﴾ یعنی تمام کارهای تو در مرئی و منظر خدای سبحان است پس خداوند نسبت به وجود مبارك حضرت مسیح و نسبت به وجود مبارك حضرت رسول سلام الله علیهما و همچنین انبیای دیگر اینچنین است پس اگر گفته شده به اینکه خدا به اعمال امت آگاه است و انبیا و اولیا هم آگاه هستند ﴿قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسولہ المؤمنون﴾^۷ دو مطلب را به همراه دارد یکی اینکه علوم آنها مظهر علم خدای سبحان است نه علم جدا دوم اینکه خود اینها با علوم و مسئولیتهایی که دارند مشهود خدای سبحان هستند چه اینکه در سوره مبارکه انبیاء هم درباره فرشتگان این تعبیر را دارد که فرشته حق ندارد تخطی کند ﴿و من یقل منهم انی اله من دونه فذلک نجزیه جهنم﴾^۸ با اینکه برای فرشتگان بهشت و جهنم مطرح نیست فرمود بر فرض اگر اینها معاذ الله کمترین تخطی بکنند جزایشان کیفر تلخشان در قیامت است پس همین فرشتگانی که ﴿ان علیکم لحافظین کراما کاتبین﴾^۹ همین فرشتگان با علومی که دارند مشهود خدای سبحان هستند اینطور نیست که علم اینها در قبال علم خدای

۶ - سوره شعراء، آیات ۲۱۷ و ۲۱۶.

۷ - سوره توبه، آیه ۱۰۵.

۸ - سوره انبیاء، آیه ۲۹.

۹ - سوره انفطار، آیه ۱۱ و ۱۰.

سبحان باشد این معرفت توحیدی در همه مطالب است در بحثهای قبل هم مشابه این داشتیم مثلاً درباره عزت
 خدای سبحان عزت را به خودش و به انبیا به مومنین در يك آیه نسبت می دهد در آیه دیگر می فرماید همه عزت
 مال خدا است اگر يك طائفه دارد ﴿الله العزة و لرسوله و للمؤمنين﴾^{۱۰} در طائفه دوم دارد ﴿العزة لله جميعاً﴾^{۱۱} قوه
 هم همینطور است اگر به یحیی سلام الله علیه می فرماید ﴿يا يحيى خذ الكتاب بقوة﴾^{۱۲} اگر به بنی اسرائیل دارد
 ﴿خذوا ما آتيناكم بقوة﴾^{۱۳} اگر به دیگران دارد ﴿و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة﴾^{۱۴} در بخشهای دیگر و در سوره
 مبارکه بقره فرمود ﴿ان القوه لله جميعاً﴾^{۱۵} هیچ کمالی برای خدای سبحان برای کسی از انبیا اولیا و فرشتگان علیهم
 السلام اسناد نمی دهد و ثابت نمی کند مگر اینکه همان کمال را در آیه دیگر یکجا مال خدا می داند معلوم می شود که
 اگر آن کمال برای دیگران ثابت شده است از ناحیه خداست و مظهر کمال الهی است اولاً و چون مظهر کمال خدا
 است و نعمتی است از طرف ذات اقدس اله به اینها افاضه شده است با مسئولیت همراه است ثانیاً لذا همین خدایی
 که در دوجای سوره توبه فرمود هر کاری که می کنید پیغمبر می بیند ﴿قل اعملوا فیسیری الله عملکم و رسوله﴾^{۱۶}
 در اوائل سوره مبارکه اعراف فرمود که همه انبیا مورد سوال ما هستند ﴿فلنسئلن الذین ارسل الیهم و لنسئلن
 المرسلین﴾^{۱۷} منتها حالا انبیا و اولیا علیهم السلام حسابشان روشن است خدای سبحان که سریع الحساب است با
 آنها سریع الحساب رفتار می کند این روایت را که بارها ملاحظه فرمودید ذیل همین آیه ای که فرمود قیامت ۵۰

۱۰ - سوره منافقون، آیه ۸.

۱۱ - سوره یونس، آیه ۶۵.

۱۲ - سوره مریم، آیه ۱۲.

۱۳ - سوره بقره، آیه ۶۳.

۱۴ - سوره انفال، آیه ۶۰.

۱۵ - سوره بقره، آیه ۱۶۵.

۱۶ - سوره توبه، آیه ۱۰۵.

۱۷ - سوره اعراف، آیه ۶.

هزار سال است در منزل یکی از صحابه يك جلسه خصوصي بود زید ابن ارقم به وجود مبارك پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد ما اطول هذا اليوم با افعل تعجب یعنی عجب روز طولانی است ۵۰ هزار سال فرمود «والذی نفس محمد بیده»^{۱۸} این ۵۰ هزار سال برای مومن باندازه صلات مکتوبه است حالا يك نماز مکتوبه مثل نماز ظهر یا عصر چقدر طول می کشد حد اکثر پنج یا شش دقیقه فرمود این ۵۰ هزار سال برای مومن ۵ دقیقه است برای اینکه این تمام عقبات کنود را در دنیا گذرانده دلیلی ندارد در اینجا معطل باشد آن کسی که در هر لحظه ایست بازرسی دارد ﴿و قفوه انهم مسئولون﴾^{۱۹} ﴿انهم مسئولون﴾ بازرسی بازرسی این راحت است کسی که مراقب و محاسب بود و همه اعمالش شسته و رفته و شفاف بود خدای سبحان با او به عنوان سریع الحساب رفتار می کند فرمود «والذی نفس محمد بیده» این ۵۰ هزار سال برای مؤمن به اندازه صلات مکتوبه است يك نماز واجب مگر چقدر وقت می برد برای انبیا علیهم السلام از این سریعتر غرض آن است که گرچه انبیا و اولیا (ع) می دانند اما علومشان جدای از علم خدای سبحان نیست در قبال آن نیست بلکه اینها آینه دار علم الهی هستند اولاً و در این آینه داری هم مسئول هستند بدلیل اینکه فرمود ﴿فلنسلن الذين ارسل اليهم و لنسلن المرسلين﴾^{۲۰} اینجا هم مستقیماً به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم خطاب می کند که تو هیچ آیه ای را تلاوت نمی کنی مگر اینکه در مشهد ما هستی این هم ترقیب است و هم هشدار ترقیب است یعنی اینکه بدان در محضر ما هستی بالاخره مشکلی نداری همان ﴿والله يعصمك﴾^{۲۱} همیشه هست چون تو در مشهد و محضر ما هستی و ما حاضریم بنابراین تو داری از طرف ماداری ابلاغ می کنی مشکلی نداری و هم هشدار است که مبدا معاذ الله چون بالاخره اینها مکلف هستند تا

۱۸ - بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۲۳.

۱۹ - سوره صافات، آیه ۲۴.

۲۰ - سوره اعراف، آیه ۶.

۲۱ - سوره مائده، آیه ۶۷.

زنده‌اند مکلفند عصمت که با تکلیف منافات ندارد انسان معصوم مکلف هست منتها هرگز گناه نمی‌کند نه سهوا نه عمدا اینجا هم فرمود ﴿و ما تكون في شان و ماتلوا منه من قرآن﴾^{۲۲} اگر منه به شان برگردد می‌شود تبعیض اما بیان سیدنا الاستاد این است که ضمیر منه به ذات اقدس اله برمی‌گردد و نام مبارك خدا در همه جا بدون ذکر، ضمیر پذیر است ﴿قل هو الله احد﴾^{۲۳} اصلا لازم نیست که انسان اول اسم الله را ببرد بعد ضمیر بگوید او معلوم کیه بگوید تو معلوم کیه اگر چنانچه به الله برگردد این من می‌شود نشئیہ ﴿و ما تتلوا منه من قرآن﴾ که این تتلو ناشی از آن جا است و از آنجا این متلو نازل شده و توداری تلاوت می‌کنی بر اساس قرب نوافل هم کنت لسانه الذی یتکلم به این اختصاصی به جریان جنگ بدر و آن ﴿ما رمیت اذ میت﴾ ندارد برای انسان کاملی که به قرب نوافل راه پیدا کرد ﴿و ما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمى﴾^{۲۴} و ما نطقت اذ نطقت ولكن الله نطق و ما تلوت اذ تلوت ولكن الله تلى و مانند آن چون اینها مقام فعل و صفت فعل است که در مقام امکان است نه در مقام ذات و نه در مقام وجوب اینچنین نیست که مخصوص به جنگ بدر و رمی باشد اگر انسان کامل به مقام قرب نوافل راه پیدا کرد همینطور است کاملترین مصداق آن حدیث شریف قرب نوافل اهل بیت علیهم السلام هستند. سوال

جواب: ایشان می‌فرمایند که چون این تلاوت قرآن از آنجا شروع شده و از آنجا نشئت گرفته بنابراین ما می‌توانیم یا اولی این است ضمیر را به الله برگردانیم که بگوییم این من من نشئیہ می‌شود و اما اگر ضمیر به شان برگردد می‌شود تبعیض یکی از شئون تو تلاوت آیات قرآن است چون ﴿یتلو علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة﴾^{۲۵} اینها شئون نبوت و رسالت آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم است ﴿و ما تكون في شان

۲۲ - سوره یونس، آیه ۶۱.

۲۳ - سوره اخلاص، آیه ۱.

۲۴ - سوره انفال، آیه ۱۷.

۲۵ - سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.

و ما تتلو منه من قرآن و لا تعملون من عمل الا كنا عليكم شهودا اذ تفيضون فيه ﴿٢٦﴾ همین که می خواهید وارد شوید در مشهد ذات اقدس اله هستید.

در بخشهای دیگر خدای سبحان به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هر کاری که اینها می خواهند وارد شوند معلوم ما است آیه هشت سوره مبارکه احقاف این است که آیه هفت این بود ﴿و اذا تتلى عليهم آیاتنا بینات قال الذین كفروا للحق لما جائهم﴾ آنها می گویند ﴿هذا سحر مبین﴾ ٢٧ معاذ الله بعد فرمود ﴿ام یقولون افتراه قل ان افتریته فلا تملکون لی من الله شیئا هو اعلم بما تفيضون فیه کفی به شهیدا بینی و بینکم و هو الغفور الرحیم﴾ ٢٨ شما این کاری که به ما اسناد دادید وارد این کار شدید افاضه کردید می خواهید وارد بشوید نظیر ﴿افضتم من عرفات﴾ ٢٩ ﴿ثم أفیضوا من حیث افاض الناس﴾ ٣٠ و مانند آن خدا می داند ﴿و کفی به شهیدا بینی و بینکم﴾ شهادت در آیه ٨ سوره احقاف و مانند آن بمعنای ادای شهادت است که در محکمه است شهادت محل بحث در سوره مبارکه یونس بمعنی تحمل است خدا شهید است هم در دنیا هم در آخرت شاهد در دنیا بودن یعنی در ظرف حادثه حادثه را تحمل می کند یعنی می بیند شاهد در قیامت است یعنی عندالقضا ادا می کند شهادت را آن شهادت بمعنی ادا است این شهادت بمعنی تحمل است و آن کسی شهادتش در ادا نافذ است که در موقع تحمل خوب تحمل کرده باشد و حضور داشته باشد اگر کسی در حین حادثه حضور نداشته باشد و حادثه را تحمل نکرده باشد که شهدوا بما علموا نمی شود این مرسله ای که مرحوم محقق در متن شرایع نقل کرده از وجود مبارک پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم حضرت

٢٦ - سوره یونس، آیه ٦١.

٢٧ - سوره احقاف، آیه ٧.

٢٨ - سوره احقاف، آیه ٨.

٢٩ - سوره بقره، آیه ١٩٨.

٣٠ - سوره بقره، آیه ١٩٩.

به آن مخاطبش خطاب کرد و اشاره به آفتاب کرد و فرمود «هل تری الشمس علی مثلها فاشهد او دع»^{۳۱} مطلب اگر برای تو آفتابی شد بالاخره روشن است شهادت بده و اگر برایت مشکوک است شهادت نده شاهد باید چون از روی حدس شهادت نمی‌دهد که شهادت غیر از کارشناسی است يك وقت کسی کار کارشناسی می‌کند اهل خبره است اهل اجتهاد و نظر است این فتوای خودش را می‌گوید سوال می‌کند زمین چقدر می‌ارزد فلان اتومبیل چقدر می‌ارزد اینکه شهادت می‌دهد این کار کارشناسی است فتوای خودش را می‌دهد فتوا یعنی محصول اندیشه عالمانه يك انسان مستنبط است این کار را کارشناسی می‌کند می‌گوید این زمین در شرایط کنونی این مقدار می‌ارزد اینها شهادت نیست اینها قول اهل خبره است کارشناسی است يك وقت است نه در محکمه شهادت می‌دهد شهادت باید عن حسّ باشد یعنی مطلب باید آفتابی باشد می‌گویند آفتابی، آفتابی همین است که حضرت به آفتاب اشاره کرد و به مخاطبش فرمود «هل تری الشمس علی مثلها فاشهد او دع» این همین روایتی است که در متن شرایع آمده این مرسله فرمود اگر مطلب مثل آفتاب برایت روشن است شهادت بده یا رها کن. خدای سبحان مطلب برای او مثل آفتاب و شفاقت از آفتاب روشن است لذا هم شاهد است در موقع تحمل و هم شاهد است در موقع ادا اینکه فرمود ﴿کفی به شهيدا بیني و بینکم﴾^{۳۲} این اگر ناظر به مسئله معاد باشد بمعنای ادای شهادت است در محکمه و اگر در جریان دنیا باشد که بمعنای علم و آگاهی است.

سوال

جواب: دست و پا هم شهادت می‌دهند اینها برای تثبیت امر است برای برخی از اهل معرفت در اشعارشان به خدای سبحان عرض می‌کنند خدایا حالا ما که اقرار داریم حالا اگر دست و پای ما را به حرف بیاوری و چیزی

۳۱ - وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۴۲.

۳۲ - سوره احقاف، آیه ۸.

از آبروی ما باقی نگذاری اینگونه نباشد «لسانی مقر بالذنوب»^{۳۳} اگر ﴿یوم تختم علی افواههم و تکلمنا ایدیههم و تشهد ارجلهم﴾^{۳۴} اینها دیگر نباشد که ما به اینها بگوییم ﴿لم شهدتم علینا قالوا انطقنا الله الذی انطق کل شیء﴾^{۳۵} این کار را خدایا نکن با ما برای اینکه ما خودمان اقرار داریم اگر اقرار داریم لازم نیست که دست و پا حرف بزنند اگر دست و پا حرف بزنند چیزی برای آدم نمی ماند بالاخره س: ج: کار قلبی هم آن آیه دارد که ﴿واعلموا ان الله یعلم ما فی أنفسکم فاحذروه﴾^{۳۶} ﴿ان تبدوا ما فی أنفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله﴾^{۳۷} در بحثهای دیروز هم داشتیم به اینکه حتی آن اسرار نهانی که بر خود انسان مخفی است ﴿وهم یحسبون انهم یحسنون صنعا﴾^{۳۸} خیال می کنند کار خوب می کنند بعد معلوم می شود تحت ولایت دیگری هستند آنها را هم خدا می داند کارها یا جهر است که ما می دانیم دیگران هم می دانند یا سرّ است که ما می دانیم و دیگران نمی دانند یا اخفی از سر است که در درون ما نهاده شده است و ما خودمان غافل هستیم فرمود ﴿ان تجهر بالقول فانه یعلم السر و اخفی﴾^{۳۹} وقتی درون کالبدشکافی شد معلوم می شود درون آدم همین است دیگر این است این که در کتابهای اخلاقی مانند احیاء و محجه نوشته اند اگر کسی پیش نماز یک محلی بود بعد از سی و چهار سال مردم به دنبال دیگری رفتند اگر هیچ تحولی در او پیدا نشد خدا را شاکر باشد که در این مدت برای خدا امامت می کرد اما اگر گله اش شروع شد که عجب مردم خوش استقبال و بد بدرقه ای هستند معلوم می شود این سی و چهار سال تحت ولایت دیگری بوده است بالاخره تو این کارهایی که کردی مگر بر مردم واجب است همیشه پشت سر تو نماز بخوانند مردم که خلاف شرع نکردند که

۳۳ - بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۳۳۹.

۳۴ - سوره یس، آیه ۶۵.

۳۵ - سوره فصلت، آیه ۲۱.

۳۶ - سوره بقره، آیه ۲۳۵.

۳۷ - سوره بقره، آیه ۲۸۴.

۳۸ - سوره کهف، آیه ۱۰۴.

۳۹ - سوره طه، آیه ۷.

تو هم که وظیفه‌ات را انجام دادی می‌خواهی بقیهٔ ثوابها را هم ببری راضی باش به فعل دیگری اگر ما اینچنین باشیم هیچ تردیدی نیست که اسلام عالمگیر می‌شود چون در درون همه انسانها يك دلمایهٔ دینی هست مردم از اسلام خوششان می‌آید خدا اینها را اینجور آفریده و چون اینجور آفریده هر جا این صدا را بشنوند می‌بینند صدای آشنا است الان مثلاً يك بچه ۵ یا ۶ ساله یا سه چهار ساله همین که صدای مادر یا صدای پدر آشنا است این در مجبوحه پارك دارد بازی می‌کند صدها نفر اگر او را صدا بزنند این برمی‌گردد اما صدای مادر برای او آشنا است برمی‌گردد ما صدای انبیا برایمان آشنا است واقعا اینطور نیست که ما تلقین بکنیم می‌بینیم این صدا با صداهای دیگر فرق می‌کند چون «انا و علی ابوا هذه الامة»^{۴۰} آدم صدای پدر خودش را چرا تشخیص ندهد بالاخره این صدا آشنا است برای ما اگر راست بگوییم و درست راه برویم هیچ تردیدی نیست که اسلام عالمگیر می‌شود بخواهیم کاسی بکنیم وضع همین طور است فرمود ﴿واعلموا ان الله يعلم ما فی انفسکم فاحذروه﴾^{۴۱} این صدای انبیا و پیامبران آشنا است صدای ولی عصر آشنا است حالا ممکن است کودک بالاخره دو دقیقه دیرتر اجابت کند ولی بالاخره برمی‌گردد می‌گوید می‌آیم خیلی‌ها آن بچه را صدا می‌زنند وعده می‌دهند وعید می‌دهند ولی آنها آشنا نیستند و این مشغول بازی خودش است این همه صداهایی که به گوش آدم می‌رسد صدای انبیا فقط آشنا است. آنقدر هست که بانگ جرسی می‌آید.

بنابراین آنها می‌دانند لکن همان دو نکته است علمشان مظهر علم ذات اقدس اله است اولاً و با مسئولیت همراه است ثانياً اما تعبیر به ما و لا و اینها به تفنن ادبی نزدیکتر است این تعبیر به ما و لا که گاهی به ما نفی شده گاهی با لا این هم در سورهٔ مبارکهٔ انعام به این صورت آمده است و هم در سورهٔ مبارکهٔ مجادله در سورهٔ انعام آیه ۵۹ این

۴۰ - بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۹۵.

۴۱ - سوره بقره، آیه ۲۳۵.

است ﴿و عنده مفاتيح الغيب لا يعلمها الا هو و يعلم ما في البر و البحر﴾ بعد می فرماید که نه تنها خدا به همه اینها عالم است بلکه ﴿و ما تسقط من ورقة الا يعلمها و لا﴾ همه جا (ما) نیست همه جا (لا) هم نیست این تفنن ادبی مصحح ادبی دارد ﴿و ما تسقط من ورقة الا يعلمها و لا حبة في ظلمات الارض و لا رطب و لا يابس الا في كتاب مبين﴾^{۴۲} چه اینکه در بخشهای دیگر دارد ﴿احصيناه في امام مبين﴾^{۴۳} خوب اگر ولی عصر ارواحنا فداه می داند کتاب مبين و لوح محفوظ می داند همه اینها مظهر علمی است که ﴿والله من ورائهم محيط﴾^{۴۴} در این قسمتها آمده به اینکه اینها در کتاب مبين هستند و معلوم ذات اقدس اله هستند در سورة مبارکه لقمان همان بحث دیروز مطرح شود نه کوچکی نه دوری نه تیرگی نه تاریکی و نه حجاب هیچ چیز مانع علم خداوند نیست ما يك چیزی را نمی بینیم یا برای این است که خیلی ریز است حالا یا درك نمی کنیم برای این است که خیلی لطیف است یا خیلی دور است از ما و مبادی آن حاصل نیست یا بُعد مکانی دارد یا بُعد مکانت مثلا مطالب کفایه برای طلبه ای که تازه وارد شده بُعد مکانت دارد برای اینکه بین این آقای طلبه تازه وارد و آن مطالب کفایه مبادی و اصول فراوانی فاصله است این مبادی تصویری و تصدیقی این اصول این قضایا همه را باید طی بکند تا برسد به آن مطلب این بعد مکانت دارد حالا فرق نمی کند چه بعد مکانی چه بعد مکانت مطلبی که از بصر ما یا از بصیرت ما دور باشد نمی بینیم این بعد مانع دیدن است این حجاب مانع دیدن است این تاریکی مانع دیدن است این ریزی مانع دیدن است در سورة مبارکه لقمان فرمود هیچ کدام از اینها نسبت به ذات اقدس اله مانع نیست آیه ۱۶ سورة مبارکه لقمان این است که اینها جزء حکمت هایی است که خدای سبحان به لقمان عطا کرده ﴿يا بني ان تك مثقال حبة

۴۲ - سورة انعام، آیه ۵۹.

۴۳ - سورة يس، آیه ۱۲.

۴۴ - سورة بروج، آیه ۲۰.

من خردل ﴿یعنی اسفند به اندازه وزن اسفند این خیلی ریز است﴾ فتکن فی صخره ﴿در دل سنگ باشد﴾ او فی السماوات ﴿خیلی دور باشد﴾ او فی الارض ﴿در بین لایه‌های زمین باشد محبوب باشد در ظلمت در ظلمات باشد باشد که بعضها فوق بعض است یا در حجاب باشد یا در نقطه دور باشد یا خیلی ریز باشد﴾ یأت بها الله ﴿۴۵﴾ چون همان خدایی که در ظاهر سنگ حضور دارد در باطن سنگ هم حضور دارد او که احتیاج ندارد به نور شمس این نور شمس را او داده يك وقت است کسی ﴿اذا الشمس کورت﴾ ۴۶ این را از او می‌گیرد در صحنه قیامت که ﴿لا یرون فیها شمساً و لا زمریراً﴾ ۴۷ این فضای شفاف و روشن را مومنان روشن می‌کنند مگر منزل يك مومن به اندازه ﴿عرضها السموات و الارض﴾ نیست مگر این راه شیری و کهکشانها و شمسها همه همه تتاثر پیدا نکرده ﴿اذا الشمس کورت﴾ نشده زمین ﴿اذا النجوم انکدرت﴾ ۴۸ نشده مگر بساط همه اینها جمع نشد این فضای وسیع را کی روشن می‌کند؟ جز مومن کس دیگر روشن نمی‌کند این است که وجود مبارك حضرت امیر در نهج دارد که اگر بفهمید که آنجا چه خبر است دیگر پیش من جمع نمی‌شوید سرش این است که نمی‌دانید برای مومن خداوند چه فراهم کرده فرمود اینجا جمع نمی‌شوید الان ما برای خیلی‌ها يك پوزخندی می‌زنیم که اینها برای مثلاً يك توپ را گل بزنند سرشان را اعضا و جوارحشان را در معرض خطر می‌اندازند برای چه؟ يك عده هستند به کار ما می‌خندند که اینها به دنبال کدام لقب می‌گردند که جلو بی‌افتند و دنبال بیفتند.

سوال جواب: آنها که می‌دانند به ما فرمودند که اگر شما بدانید که آنجا چه خبر است این بازیها را می‌گذارید

کنار.

۴۵ - سوره لقمان، آیه ۱۶.

۴۶ - سوره تکویر، آیه ۱.

۴۷ - سوره انسان، آیه ۱۳.

۴۸ - سوره تکویر، آیه ۲.

نه تك تك اينها مانع است نه جمع اينها مانع است نه تاريخی به تنهایی نه حجاب به تنهایی نه ریزی به تنهایی نه دوری به تنهایی هیچ کدام مانع علم خداوند نیست همهٔ اينها هم جمع بشود باز مانع علم او نیست چون خدای سبحان ﴿فاینما تولوا فثم وجه الله﴾^{۵۰} او در دل سنگ هم حضور دارد چون او ﴿نور السموات والارض﴾^{۵۱} است با نور خود می بیند نه با نور شمس و قمر لذا درون صخره صماء هم برای او شفاف است ﴿ان الله لطیف خبیر﴾^{۵۲} بنابراین ﴿ما تكون فی شأن و ما تتلوا منه من قرآن و لا تعملون من عمل الا كنا علیکم شهودا اذ تفیضون فیه و ما یعزب عن ربك من مثقال ذرة فی الارض و لا فی السماء﴾ هم در صدر آیه بین ما و لا جمع شده است فرمود ﴿و ما تكون فی شأن و ما تتلوا منه من قرآن و لا تعملون﴾ هم در ذیل آیه بین ما و لا جمع شده است فرمود ﴿و ما یعزب عن ربك من مثقال ذرة فی الارض و لا فی السماء و لا اصغر من ذلك و لا اکبر الا فی کتاب مبین﴾^{۵۳}.

سوال جواب: مطلق است چون آن ذیل يك قانون کلی است که صدر را شامل می‌شود و ما عدای آن را هم شامل می‌شود چه در آسمان چه در زمین چه مربوط به اعمال مردم چه مربوط به کارها و حوادث و رخدادهای جهان طبیعت اینجا که فرمود غایب نیست یعنی بالقول المطلق غایب نیست اینطور نیست که اختصاصی به حدوث یا بقا داشته باشد حدوثا و بقائا غیبت ندارد در سوره مبارکه مجادله آیه ۶ فرمود به این که ﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا احْصَاهُ اللَّهُ وَ نَسُوهُ﴾^{۵۴} خدا همه کارهای آنها را احصا کرده ولی اینها فراموششان شده اینها نامه

۵۴ - سورہ مجادلہ، آیہ ۶.

اعمال را که می بینند می گویند ﴿يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يَغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا﴾^{۵۵} خوب اگر آن نامه همه اعمال را بدون نسیان در آن هست خدای سبحان که ﴿وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ﴾^{۵۶} است فوق اینها است فرمود ﴿فَيَنْبِئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ﴾ جمع بین حرف نفی ما و لا در آیه ۷ همان سوره مبارکه مجادله به این صورت آمده است ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا آدْنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ إِنْ كَانُوا ثَمًّا يَنْبِئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^{۵۷} بنابراین فرقی از این جهت بین ما و لا نخواهد بود چه اینکه فرق بین امت و امام نخواهد بود همه اینها مشهود ذات اقدس اله هستند چه اینکه مذکور هم هستند و اینها در کتاب مبین هست و چون امام با کتاب مبین همراه است ظاهر این نشئه قرآن با عترت است باطن قرآن با بطن امام همراه است چه اینکه امام انسان کامل و معصوم سلام الله علیه با لوح محفوظ قرین است با کتاب مبین قرین است اگر چیزی در کتاب مبین باشد حتما مشهود ذات مقدس امام سلام الله علیه است در تعبيرات وجود مبارك امام سجاد و ساير ائمه سلام الله عليهم درباره بدا آمده که اگر این آیه در قرآن نبود ﴿يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾^{۵۸} ما هم خیلی چیزها را می گفتیم این معنایش این نیست که این آیه جلوی علم ما را می گیرد این آیه جلوی اعلام ما را می گیرد مصحلت نیست که هر چیزی که پشت پرده است ما از پرده برون افتد راز نه اینکه ما نمی دانیم اگر این آیه نبود ما خبر می دادیم نه اینکه اگر این آیه نبود ما می دانستیم بنابراین اگر چیزی در کتاب مبین باشد در امام مبین هم هست در انسان کامل هم هست.

۵۵ - سوره كهف، آیه ۴۹.

۵۶ - سوره بروج، آیه ۲۰.

۵۷ - سوره مجادله، آیه ۷.

۵۸ - سوره رعد، آیه ۳۹.

والحمد لله رب العالمين